

Arabic language Impacts on the French Language, Case Study

Mojtaba Rahmati¹

Director, French Department, Higher Education Complex of Language, Literature
and Culturology

Alireza Nuri²

MA, Islamic Philosophy, Al-Mustafa International University

Received: 2022/06/25 | Accepted: 2022/07/23

Abstract

Like any other language, there are some French words that have been imported from other languages. These words are called "borrowed", or "loanwords". In the course of history and following historical events, words from Arabic have entered French through Spanish and Italian or directly during the colonial period and the immigrants' appearance in France. Arabic was one of the first scientific languages in Europe. A large number of Arab speaking immigrants in France has made Arabic words have a special place in terms of usage in French. These words are of so extensively used that all French speakers, from different walks of life, use Arabic words on a daily basis without knowing their roots. It is obvious that the loanwords have been phonetically slightly modified and harmonized with the French phonetic system. This research is intended to examine a number of Arabic loanwords in the French while examining the impact of the Arabic language on French.

Keywords: loanword, Arabic language, French language, etymology, borrowed words.

1. **E-mail:** mrh1338@gmail.com

2. **E-mail:** alinr764@gmail.com



تأثیرات زبان عربی بر زبان فرانسوی، بررسی موردی چند واژه

مجتبی رحمتی^۱

دانشیار و مدیر گروه زبان فرانسه، مجتمع زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی جامعه المصطفی (ص) العالمیه

علیرضا نوری^۲

کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳۰

چکیده

در زبان فرانسوی، مانند هر زبان دیگر، کلماتی یافت می‌شوند که از زبان‌های مختلف به این زبان وارد شده‌اند. به این کلمات اصطلاحاً واژه‌های «قرضی»، «دخیل» یا «وام‌واژه» می‌گویند. در طول زمان و در پی رویدادهایی تاریخی، واژه‌هایی از زبان عربی از طریق زبان اسپانیایی و ایتالیایی و یا مستقیماً در دوران استعمار و حضور مهاجران در فرانسه به فرانسوی راه یافته‌اند. زبان عربی جزء اولین زبان‌های علمی در اروپا بوده است، حضور تعداد زیادی عرب‌زبان مهاجر در فرانسه باعث شده است که واژه‌های این زبان از لحاظ کاربرد در فرانسوی جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. گستردگی این واژه‌ها به گونه‌ای است که همه فرانسوی‌زبانان، از اقلیت‌های مختلف، به‌طور روزمره و مداوم از واژه‌های عربی استفاده می‌کنند بی‌آنکه اطلاعی از ریشه آن‌ها داشته باشند. بدیهی است که وام‌واژه‌ها از لحاظ آوایی کمی دستخوش تغییر شده و با سیستم آوایی فرانسه هماهنگ شده‌اند. در این پژوهش در نظر داریم ضمن بررسی تأثیر زبان عربی بر فرانسه، تعدادی از وام‌واژه‌های عربی را در زبان فرانسه بررسی کنیم.

واژگان کلیدی

وام‌واژه، زبان عربی، زبان فرانسه، اتمولوژی، کلمات دخیل.

1. E-mail: mrh1338@gmail.com

2. E-mail: alinr764@gmail.com

مقدمه

یکی از بحث‌های داغ امروز بحث نگهداری و پاسبانی از زبان مادری در کشورهاست. در کشور ایران این وظیفه بر دوش فرهنگستان زبان و فرهنگ فارسی است. معادل این نهاد در کشور فرانسه، اکادمی فرانسه واقع در پاریس است که بنا بر آنچه در اساسنامه آن آمده است، وظایف زیر را بر عهده دارد:

- 1- donner des règles certaines à la langue française
- 2- rendre cette langue pure et éloquente
- 3- rendre la langue française capable de traiter les arts et les sciences
- 4- donner des règles édictées pour l'orthographe¹

۱. وضع قواعد مطمئن برای ساختار زبان فرانسه

۲. خالص و شیوا سازی زبان فرانسه

۳. توانا سازی زبان فرانسه برای به کارگیری آن در هنرها و علوم

۴. وضع قوانین مصوب برای املاي زبان فرانسه

همانگونه که ملاحظه می‌کنید این فرهنگستان که در سال ۱۶۳۵ م تأسیس شده است، وظیفه‌ی خالص سازی زبان فرانسه را بر عهده دارد. تأسیس این فرهنگستان اشاره به این واقعیت دارد که زبان فرانسه بیش از اندازه با زبان‌های دیگر آمیخته شده بوده و امروزه نیز مورد هجومی زبان‌های بیگانه از هر سو می‌باشد.

در قرن پانزدهم میلادی انقلاب فرهنگی بزرگی در سراسر اروپا و به تبع آن در فرانسه رخ داد. فرهنگ و هنر و صنعت شکوفا گردید. زبان لاتین کم‌کم از دستگاه رسمی حذف گردید. در سال ۱۵۳۹ پادشاه فرانسه که فرانسیس اول نام داشت، دستور داد که متون دادگاه‌ها به جای لاتین به زبان فرانسوی نگاشته شود. در همین ایام بود که کشیشی به نام ژان گالوین برای اولین بار نوشته‌های مذهبی خود را از لاتین به فرانسه ترجمه نمود. در سال ۱۵۴۹ مقاله بسیار مهمی با عنوان «در دفاع و

1. <https://www.academie-francaise.fr/linstitution/lhistoire>

اهمیت زبان فرانسه و هر چه غنی‌تر کردن آن» توسط شاعر و منتقد معروفی به نام ژوشیم دو بلای نوشته شد. فرانسه در این دوران مانند سایر ملل اروپایی به دوران با عظمت یونان باستان نگاهی دوباره کرد و در نتیجه آن بود که کلمات بسیاری از فرهنگ قدیم یونان به فرانسه وارد شد. همچنین واژه‌های فراوانی از ایتالیای بعد از رنسانس و حتی از عربی قرض گرفته شده و به سرعت وارد فرانسوی می‌گردید.

هجوم روزافزون کلمات و تغییرات در گرامر در قرن ۱۶ میلادی به اوج خود رسیده بود. ادبا و زبان‌شناسان به تدریج نگران شده و به فکر افتادند تا این زبان پر تلاطم را قاعده‌مند کنند و از ایجاد هرج و مرج در ساختار آن جلوگیری نمایند. رهبر این حرکت شاعری به نام *François de Malherbe* بود که به جهت داشتن دیدگاه‌های بسته در باب ورود لغات جدید، به دیکتاتور ادبیات مشهور گشت. در پی همین فعالیت‌ها بود که آکادمی زبان و ادب فرانسه تشکیل گردید که تا امروز اهمیت خود را حفظ کرده و مرجع تصمیم‌گیرنده درباره صحت و دقت متون رسمی و ورود کلمات و عبارات جدید به فرهنگ لغت است. ^۱می‌توان گفت که حفظ سیاست‌های بسته درباره دستور زبان و کلمات زبان فرانسه باعث شده است که اولاً ساختار زبان فرانسه از قرن ۱۷ تاکنون تغییرات چندانی نداشته باشد و دوم این که فرهنگ لغات فرانسوی نسبت به انگلیسی بسیار کم‌حجم‌تر و ساختار و ترتیب کلمات در جمله‌های آن بسیار منظم‌تر از زبان‌های دیگر باشد. بیشترین اعتراض آکادمی فرانسه به ورود کلمات انگلیسی به دایره واژگان فرانسه است. آن‌ها از ورود کلماتی چون *weekend*، *parking*، *drugstore* و *interview* به زبان فرانسه راضی نیستند و ترکیب این دو زبان را به کنایه فرانگلیسی می‌نامند. ضرب‌المثل مشهوری در فرانسه وجود دارد که اهمیت نظم و روانی کلام به آن زبان را بیان می‌نماید:



«Ce qui n'est pas clair n'est pas français»^۱ «سخنی که شیوا نیست، فرانسوی نیست».

همانگونه که خواهد آمد اگر فرایند معادلسازی واژه‌های بیگانه با واژه‌های زبان بومی به هنگام نباشد و به تأخیر بیافتد واژه‌های بیگانه در زبان بومی نهادینه شده و دیگر اتباع آن زبان از معادل بومی آن استقبال نخواهند کرد.

اما زبان فرانسه از زبان‌های مختلفی تأثیر پذیرفته است که از جمله‌ی آنها زبان عربی می‌باشد. میزان تأثیرپذیری این زبان از زبان عربی بیشتر از آن چیزی است که از دو همسایه‌ی قدرتمند این کشور از حیث زبانی و فرهنگی یعنی انگلستان و ایتالیا تأثیر پذیرفته است. بنا به اذعان روزنامه‌ی فیکارو زبان عربی در رده سوم و جلوتر از دو زبان انگلیسی و ایتالیایی، از زبان‌هایی است که بر زبان فرانسوی بیشترین تأثیر را گذارده‌اند.^۲

به عنوان مثال گفته شده است در عبارت زیر که حاوی ۲۵ کلمه است ۱۱ کلمه‌ی

آن از زبان عربی وارد زبان فرانسه شده است؛

« Si vous prenez un *café* sans *sucre* ou un jus *d'orange* et que vous achetez vos *épinards*, *aubergines* et *abricots* au *magasin* d'en face, vêtue d'une *jupe* en *coton* et d'un *gilet camaïeu*. »^۳

جهات ورود لغات عربی به زبان فرانسه

از قرن هفتم، در زمان هجرت، بود که زبان عربی در ارتباط نزدیک با گسترش جغرافیایی تمدن اسلامی، از شمال آفریقا تا آسیای مرکزی، نفوذ بین‌المللی پیدا کرد. بین قرن‌های ۸ و ۱۲، فرهنگ‌های عرب‌زبان و فارسی در بسیاری از زمینه‌ها بر غرب تسلط داشتند: علمی، اجتماعی، ادبی... تنها در رنسانس بود که اروپا شروع به جبران کرد. در طول این چند قرن، کشورهای اروپایی، به ویژه کشورهای اطراف

۱ . <https://www.dicocitations.com/citations/citation-91238.php>

۲. le figaro, par Claire de Montgolfier, Publié le 30/07/2018

۳. اگر قهوه‌ای بدون شکر یا آب پرتقال می‌خورید و اسفناج، بادمجان و زردآلو خود را با دامن نخ‌ی و

جلیقه تک رنگ از فروشگاه آن طرف خیابان می‌خرید...

دریای مدیترانه، بسیاری از واژه‌ها را با منشأ عربی به عنوان وام واژه برگزیدند. شرق و غرب پیوندهای نزدیکی دارند و انتقال از عربی به فرانسوی به روش‌های مختلفی صورت گرفته و می‌گیرد: از طریق فتوحات سرزمینی یا با واسطه زبانی دیگر (بسیاری از کلمات فرانسوی با منشأ عربی در واقع توسط ایتالیایی یا اسپانیایی به فرانسوی منتقل شده است) و به لطف تجارت و مبادلات فکری، به ویژه ادبیات و ترجمه و من جمله فلسفه ارسطو که عمدتاً توسط متفکران و مترجمان عرب به اروپا منتقل شد در حالی که فلسفه افلاطون توسط نویسندگان لاتین به اروپای جدید راه یافت. چنین پیوندهایی، چنین نزدیکی بین فرهنگ‌ها، لزوماً منجر به انتقال‌ها شده و پل‌هایی بین زبان‌ها می‌شود: این همان چیزی است که به خوبی «وام‌گیری‌های زبانی» نامیده می‌شود، شیء وام گرفته شده هرگز بازگردانده نمی‌شود.

لذا زبان فرانسه از سه جهت از زبان عربی تحت تأثیر قرار گرفته است. اولین جهت آن بدلیل همسایگی این کشور با اسپانیا در عصر خلافت اسلامی اندلس بوده است. در آن زمان بسیاری از لغات از جمله لغات علمی از زبان اسپانیایی متأثر از عربی وارد زبان فرانسه شد. کلماتی مانند؛ «*chimie*» شیمی که تفریس^۱ شده کلمه کیمیای عربی است.

البته خود این کلمات عربی که وارد زبان فرانسه شده است بعضاً ریشه‌ی هندی، فارسی یا یونانی دارد، ولی با واسطه‌ی زبان عربی وارد زبان فرانسه شده است. مانند کلمه‌ی «*chiffre*» با تلفظ شيفر که همان صفر عربی است که ریشه‌ی هندی دارد. جهت دوم ورود لغات عربی از جانب دیگر همسایه‌ی فرانسه یعنی ایتالیا دانسته شده است که در تماس مستقیم با مسلمانان از طریق دریا و خشکی بوده‌اند. در قرون

۱. منظور از تفریس در اینجا به معنای تغییری که فرانسوی‌ها هنگام وام‌گیری یک لغت بیگانه به آن می‌دهند و بعد از آن تغییر آن کلمه را در زبان خود استعمال می‌کنند.



وسطی قلمرو خلافت اسلامی قسمت زیادی از شرق اروپا یعنی کشورهای بلغارستان، یوگسلاوی سابق را شامل می‌شد. امروزه شاهد زیست جوامع اسلامی در شرق اروپا در کشورهای آلبانی، صربستان و ... هستیم که یادگاری از زمان خلافت اسلامی در این کشورها به شمار می‌روند.

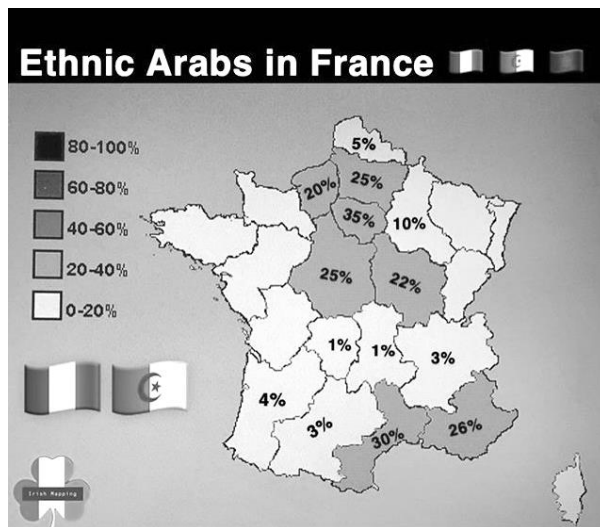
کلمات عربی در زمان تسخیر شبه جزیره ایبری توسط مسلمانان وارد اروپا شد، سپس به لطف تبادلات تجاری و دانشگاهی گسترش یافت، به همین دلیل است که اکثر آنها به حوزه منسوجات و خوراک شناسی تعلق دارند. در طول سالهای بین قرن هشتم تا پانزدهم، آنها از اسپانیا، ایتالیا و فرانسه عبور کردند و آثاری از گذرگاه خود را به جای گذاشتند که ریشه شناسان از ردیابی آن لذت می‌برند. همانطور که ژان پرووست در کتاب اجداد ما اعراب^۱، آنچه که زبان فرانسه به آنها مدیون است، برای ما توضیح می‌دهد، و ادعا می‌کند که زبان فرانسه دو برابر بیشتر از کلمات با منشاء گولی، لغات عربی دارد!

زبان عربی کلمات بسیاری را به زبان فرانسوی ارائه می‌دهد، بدون اینکه کسی به آن شک کند. اینکه زبان عربی بعد از انگلیسی و ایتالیایی در جایگاه سوم قرار می‌گیرد جای تعجب دارد. به عنوان مثال، در غذا، هندوانه (pastèque)، کنگر، (artichaut) بادمجان (aubergine)، اسفناج با ترخون (épinards à l'estragon)، مُلین (mousseline)، شربت (sorbet arrosé de sirop)، نوشیدن آلبیمو یا پرتقال (limonade ou une orangeade)، تا با قهوه‌ی بدون شکر (café sans sucre) و الکل (alcool)، همه اینها از جهان عرب است. برای مد، دامن نخ‌ی (jupe de coton)، جلیقه ساتن (gilet de satin)، کت نخودی یا گاباردین (caban ou une gabardine) ... برای دانشمند، جبر (l'algèbre)، الگوریتم‌ها (algorithmes)، اعداد (chiffres) ... همه حوزه‌های هستی فهرست شده‌اند تا کلمات عربی را که به کار می‌بریم، یادآوری کنند.

1. Nos ancêtres les Arabes, Jean Pruvost

گیاهان، جانوران، عطرها و جواهرات، زیستگاه، حمل و نقل، جنگ، رنگ ها، جشنواره ها، موسیقی، نامه ها و هنرها، ادیان و غیره... "اجداد ما گول ها" ^۱ بیش از همه بربرها بودند و بدون رومیان و تمدن عرب، که تمام قرون وسطی را آبیاری کردند، آنها بیشتر تمدن ما را به تاخیر انداخته بودند. ^۲

جهت سوم استعمار فرانسه در کشورهای شمال آفریقا به خصوص مغرب و الجزائر در قرون اخیر است. کشورهایی با زبان عربی که مهاجران بسیاری از این کشورها امروزه در فرانسه زندگی می کنند.



امروزه برخی لغات و واژه‌های عربی به عنوان یک کلمه در زبان متداول و خیابانی فرانسویان لغاتی شناخته شده هستند. مثلاً کلمه «toubib» یا همان طیب به معنای پزشک، یا کلمه «kahve» یا همان قهوه در این مقاله کلمات عربی مستعمل در زبان فرانسه را در قالب دسته بندی‌های زیر به خوانندگان ارائه می کنیم؛

۱. نام کتابی است. "Nos ancêtres les Gaulois".

۲. خلاصه کتاب «اجداد ما عرب‌ها» (<https://www.babelio.com/livres/Pruvost-Nos-ancetres->)

(les-Arabs/1060299



کلمات عربی مرتبط با مسائل اسلامی

زمانیکه فرانسوی‌ها در مورد مسائل اسلامی می‌نویسند یا سخن می‌گویند از بسیاری از کلمات عربی استفاده می‌کند بدون اینکه معادل آن را استعمال کنند. به عنوان مثال خلیفه «calife» در معنای خودش البته در متون مربوط به اسلام و مسلمانان استعمال می‌شود در حالیکه این کلمه معادل فرانسوی «successeur» به معنای جانشین دارد. از این دست کلمات است؛

«charia» شریعه که معادل آن در فرانسه «droit» و «loi» به معنای قانون است.
«cheikh» شیخ که معادل آن در فرانسه «vieillard» و «sage» به معنای دانا و عالم است.

«dijhad» جهاد که معادل آن «guerre sainte» به معنای جنگ مقدس است.
«fatwa, fetfa ou fetva» فتوا که معادل آن «avis juridique» به معنای رأی حقوقی است.

«faqīh» فقیه که معادل آن «savant» به معنای عالم و دانشمند است.
«émir» امیر که معادل آن «chef» و «commandement» به معنای رئیس و فرمانده است.

«haram» حرم که معادل آن «sacré» به معنای مقدس است.
«imam ou imâm» امام که معادل آن «guide» به معنای راهنما است.
«kafir» کافر که معادل آن «incroyant» به معنای غیرمعتقد است.
«lascar» لشکر که معادل آن «armée» به معنای ارتش است.
«médersa ou medersa» مدرسه که معادل آن «école» است.
«mesquin» مسکین که معادل آن «pauvre, indigent» به معنای فقیر و بینوا

است.

«mihrab» محراب که معادل آن «sanctuaire» به معنای جایگاه مقدس است.



« minaret » مناره که معادل آن « phare » به معنای فانوس است.

« minbar » منبر که معادل آن « chaire » به معنای منبر است.

« mollah ou mullah » مولی یا ملا که معادل آن « docteurs » است.

« mousssem » موسم که معادل آن « saison » به معنای فصل است.

« nabab » نواب که معادل آن « vice-roi » به معنای جانشین پادشاه است.

« ouléma » علما که معادل آن « savant » به معنای دانشمند است.

« raï » رأی که معادل آن « opinion » به معنای نظر است.

« safari » سفر که معادل آن « voyage » به معنای مسافرت است.

« salamalec » سلام علیک که معادل آن « salut » است.

« vizir » وزیر که معادل آن « ministre » به معنای معاون و وزیر است.^۱

اسامی علم

وقتی در مورد اسلام و مسلمانان گفته یا نوشته می‌شود، بسیاری از کلمات اسلامی برای فرانسوی زبان‌ها بیگانه نیست. آنها در عین حالی که می‌توانند معادل این کلمات را به کار ببرند ولی ترجیح می‌دهند تا از خود اصطلاحات عربی استفاده کنند تا عین معنا را بی‌کم و کاست به مخاطب منتقل کنند. در این بین اسامی افراد و مکان‌ها هم استفاده می‌شود که امکان جعل معادل فرانسوی برای آنها وجود ندارد و کلمات با حروف فرانسوی هجا می‌شوند. از میان آنها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

« muezzin » موذن که معادل فرانسوی ندارد.

« qibla, kibla, kiblat ou kiblet » قبله که معادل فرانسوی ندارد.

« mufti ou muphti ou moufti » مفتی که معادل فرانسوی ندارد.

« / koran / alcoranCoran » قرآن

« ou koufiquecoufique » کوفی

«dinar» دینار

«dirhemdirham» / درهم

«islam» اسلام که معادل آن در فرانسه «Paix» و یا «soumission» می‌شود.

«mahdisme / mahdistemahdi» مهدی و مهدویت و مهدی‌گرایی

«médina» مدینه

«mosquée» مسجد

«ramdam» رمضان

«sourate» سوره

«sunnite / sunnismesunna» / سنت و سنی که معادل آن «tradition» است.

«vilayet» ولایت به معنای استان

«wahhabisme» وهابیت

«chiite» شیعی که معادل آن «Disciple» و «partisan» به معنای پیرو و حامی

است.

«hadith» حدیث^۱

اسامی خوراکی‌ها در زبان فرانسه

امروزه برخی از میوه‌ها و خوراکی‌ها است که در فرانسوی متداول است و از زبان عربی وام گرفته شده است. این شاید به این دلیل باشد که عموماً این خوردنی‌ها وارداتی بوده و بعدها وارد سبد غذایی فرانسوی‌ها شده است. از جمله این‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

«abricot» که اصل آن در عربی البرقوق بوده به معنای زردآلو می‌باشد.



«aubergine» که اصل آن باذنجان بوده و همان بادنجان است.



«candi» قند

«caramel» کرم کارامل که در عربی به آن کرم المحله گفته می‌شود.



«caraque» نوعی شیرینی که در عربی به آن کراکه گفته می‌شود.



«kebab» که همان کباب است.

«loukoum» که از راحه الحلقوم گرفته شده و همان باسلوق می‌باشد.



«luffa» لوف که نوعی خوردنی از گروه سبزیجات است.



«méchoui» که به عربی مشوی یعنی استفاده از روش بریان کردن برای انواع

گوشت

«orange» که همان نارنج است. البته امروزه به نوع شیرین آن در عربی برتقال گفته

می‌شود.

«safran» زعفران

«satin» که در عربی زیتون گفته می‌شود.

«seum» که در عربی به سُم یا زهر گفته می‌شود.

«sirop» که شراب یعنی نوشیدنی گفته می‌شود.



«sorbet» که همان شربت در عربی است.

«sucre» سُکر یعنی شکر و شی شیرین

«tajine» طاجن که یک نوع غذای مراکشی و تونسسی است مرکب از برنج و

خورشتی از گوشت یا سبزیجات



«et tamariniertamarin» همان تمر هندی است.



«épinard» یا اسفناج



«limónlime» لیمو

برخی کلمات پر کاربرد با ریشه‌ی عربی

برخی از کلمات عربی با استفاده زیاد در زبان فرانسه را با توضیح کوتاهی در مورد نحوه‌ی ورود آن به زبان فرانسه را در این قسمت می‌آوریم تا روشن شود که چگونه این کلمات از زبان عربی وام گرفته شده‌اند.

دامن « jupe »



دامن یا ژوپ از جُبه عربی می‌آید



نام لباس بلندی که لباس مردانه بوده است. این کلمه در قرن دوازدهم در زبان فرانسوی از طریق زبان ایتالیایی با تلفظ جوبا ظاهر شد و برای نامگذاری نوعی لباس مردانه شبیه جبه عربیها استفاده می‌شد. در قرن هفدهم بود که معنای فعلی خود را به خود

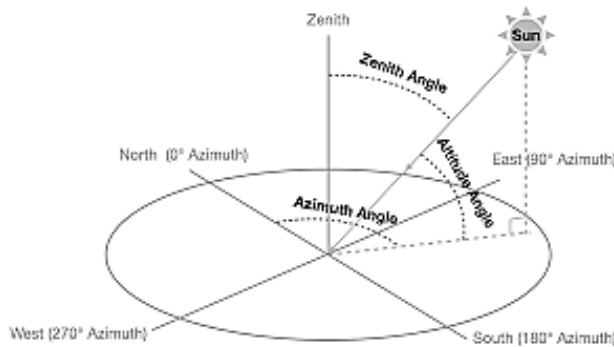
گرفت و فقط به لباس زنانه اطلاق شد و امروزه به دامنی کوتاه شده اطلاق می‌شود.

«Hasard» شانس



این کلمه به واسطه‌ی زبان اسپانیایی و کلمه «azar» آزار برگرفته شده از «الزهر» به معنای «تاس بازی» می‌باشد. در عربی منشأ آن نامشخص است: می‌تواند از «yasar» یسار به معنای چپ در مقابل راست یا از «zahr» به معنای گل باشد بدین معنا که یک طرف تاس گل باشد. در زبان فرانسه، این کلمه برای اولین بار برای یک بازی شانسی با تاس به کار رفت که در قرون وسطی استفاده می‌شد و از همین معنای اول است که عبارت بازی شانسی آمده است. اما این مرجع فراموش شده است، و تمام بازی‌هایی امروزی را تداعی می‌کند که در آنها تصادفی بودن مهمتر از استراتژی یا مهارت است.

«Zénith» اوج



در نجوم، نقطه‌ای در آسمان که مستقیماً بالای ناظر قرار دارد، نقطه اوج نامیده می‌شود. اما این نام حاصل یک خطای نویسندگی است! این در واقع یک برداشت

نادرست از zemt است، رونویسی در لاتین قرون وسطی از عربی «samt» که در عربی سمت الراس یا همان مسیر بالای سر گفته می‌شود. بنابراین samt قبل از اینکه در قرن چهاردهم در فرانسه استفاده شود، تبدیل به zemt زم و سپس زینت شد. یکی دیگر از عناصر واژگان ما که از samt می‌آید: کلمه azimuth به معنای مرکز دایره‌ای که در مهره‌بازی بسیار مهم است، می‌باشد.

Café قهوه

وقتی یک فرانسوی می‌گوید مایلم کمی caoua کائوآ بنوشم، به احتمال زیاد نمی‌داند که اصل کلمه قهوه است. کلمه‌ای که در قرن هفدهم ظاهر شد، شاید از طریق کافه ایتالیایی، از قهوه ترکی که خود از قهوه عربی گرفته شده است. با این حال، این همان قاهوا، نوشته شده caoua، cahoua یا kawa است که در قرن نوزدهم توسط سربازان فرانسوی در الجزایر به عاریت گرفته شد تا این نوشیدنی را تعیین کند و امروزه نیز به طور آشنا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Nouba نوبه

نوبا که یک مترادف در زبان گفتاری و تا حدودی قدیمی برای جشن است، امروزه به هیچ وجه سختگیری نظامی را تداعی نمی‌کند. با این حال، در قرن نوزدهم از عربی الجزایری nuba که به معنای "نوبت" و "خدمات نگهبانی" است وام گرفته شد. این کلمه در موسیقی وی کنسرت، موسیقی را مشخص می‌کند که سربازان به طور دوره‌ای در مقابل محل سکونت افسران و سپس به معنای کلی تر، "کنسرت" و "ارکستر" پخش می‌کنند. در زبان فرانسه، کلمه nouba برای اولین بار به موسیقی مبارزان الجزایری اطلاق شد، ولی امروزه معنای "عروسی، مهمانی" را به خود گرفته است.





تغییری از materas ماتراس است، نامی که احتمالاً در قرن سیزدهم از واژه ایتالیایی materasso "موادی منعطف با حجم زیاد برای پر کردن تخت" به عاریت گرفته شده است. این کلمه از مطرح عربی به معنای «فرش یا تشک»، از طرحه به معنای «پرتاب» آمده است، زیرا شرقی ها فرش ها و کوسن ها را روی زمین پهن می کنند تا بنشینند یا دراز بکشند. این اصل اولین معنای این کلمه را در فرانسوی توضیح می دهد: "تشکی که در شرق روی آن می خوابد". کسانی که ترجیح می دهند تشک خود را به جای فنر جعبه ای روی زمین بگذارند.

سُم Seum

وقتی برخی از نوجوانان با عصبانیت تکرار می کنند که «seum» دارند، در زبان فرانسوی استاندارد به این معنی است که احساس کینه یا خشم می کنند. سُم واژه ای عربی به معنای «زهر، سم» و سپس به معنای «حسادت» و «خشم» است. قبل از انتشار به زبان فرانسوی در زبان جوانان، برای اولین بار در اواسط دهه ۲۰۰۰ در زبان عامیانه و کوچه بازاری استفاده شد و به لطف متون بسیاری از رپر ها رایج شد، که در آنها گاهی اوقات معنای "مواد مخدر" را نیز به خود می گیرد.



Chiffre et zéro عدد و صفر

سیستم اعداد هندی توسط ریاضیدانان عرب قرض گرفته شد و سپس از اسپانیای مسلمان به اروپا وارد شد. عدد صفر را اعراب صیفر می نامیدند، کلمه ای به معنای «تهی، نیستی». Chiffre از طریق لاتین قرون وسطی، sifr به یک عدد در فرانسه تبدیل شد که ابتدا به صفر و سپس به تمام ارقام اعداد عربی اطلاق شد. برای نامگذاری یک مقدار صفر، کلمه zéro جایگزین شد، که منشا آن می تواند sifr عربی یا zephyrum لاتین و zefiro ایتالیایی باشد.

Mousson موسم بارندگی

بادهای موسمی، یک باد گرمسیری فصلی را تداعی می کند، بادی که بیشتر از اینکه شمال آفریقا یا خاورمیانه را به ذهن متبادر کند آسیا را در ذهن تداعی می کند. با این حال، نام خود را مدیون موسم عربی «فصل، زمان ثابت»، سپس «زمان مساعد برای سفر هندیها» است. این کلمه خود یک سفر زبانی طولانی را انجام داد و از هلندی، پرتغالی و اسپانیایی به اشکال مختلف گذشت و در پایان قرن شانزدهم در فرانسه ظاهر شد. پس از mouçone و monçon، املائی monsson است که در سال ۱۶۲۲ تأیید شده است.

Nénuphar گل نیلوفر



برخی املائی Nénuphar آبی را با f توصیه می کنند (Nénufar)، این می تواند دلیل خوبی داشته باشد! در سانسکریت nilautpala به معنی نیلوفر آبی، در فارسی نیلوفر

و سپس در عربی نینوفر گفته می‌شود. آنچه لاتین قرون وسطی آن را به نوبه خود از عربی قرض می‌گیرد، شکل nenuphar است که با حروف ph بوده و امروزه در فرانسه باقی مانده است.

Pastèque هندوانه

هندوانه قبل از ورود به زبان فرانسه نیز دچار تغییرات املائی شد. از عربی bâttihah، بطیخ از طریق pateca پرتغالی که در سال ۱۵۱۲ وارد زبان فرانسه شد با املائی کلمه‌ی "S". patèque آنها در آغاز قرن هفدهم در فرانسه ظاهر می‌شود و کلمه Pastèque یا هندوانه وارد فرهنگ لغت فرانسه توسط اکادمی زبان فرانسه در سال ۱۷۶۲ می‌شود.

Abricot زردآلو

این کلمه که پیشوند A آن از ماده عربی ال- گرفته شده است از البرقوق به معنای میوه زودرس است. عربی این کلمه خود از واژه یونانی praekokhion الهام گرفته شده است که از لاتین praecoquum (prae-coquum: زود پختن) می‌آید. البرقوق که در اسپانیایی به albaricoque تبدیل شده است. آخرین هجای -cot، معادل کلمه "cuit" پخته شده" در پس این کلمه ظاهر می‌شود. (زردآلو میوه ای است که زود می‌رسد).

Alcool الکل

از عربی الکحل، این کلمه به معنای سرمه برگرفته از پودری است که برای سیاه کردن چشم استفاده می‌شود، اما این اصطلاح به هر محصولی که از طریق تقطیر به دست می‌آید را نشان می‌دهد. محمد بن زکریای رازی از داروسازان مسلمان اولین کسی بود که الکل را به شراب مرتبط کرد.

Lemonade لیموناد

لیموناد "که در تابستان برای تازه کردن خود می‌خوریم"، و از شکر، آب و لیمو تشکیل شده است، نام خود را از لیمو گرفته است. میوه‌ای که اسیدی تر از لیموهای



اروپایی بود و با پوستی نازک تر، که مسیحیان ایتالیایی در بازگشت از جنگ‌های صلیبی آنرا به ایتالیا آوردند.

Gilet جلیقه

جلیقه هم از عربی به فرانسه رسیده است. Galika جلیکا که در ترکی به yelek یلک تبدیل شد، در اصل به لباسی اطلاق می شد که زندانیان مسیحی بر روی کشتی-های پارویی می پوشیدند. تنها در قرن هفدهم بود که فرهنگ لغت فرانسوی از جلیقه به عنوان لباس مجلسی بدون آستین استقبال کرد.^۱

برخی دیگر از اسامی عربی در فرانسه

«babouche» یا پاپوش همان دمپایی که از فارسی به عربی و سپس وارد فرانسوی شده است و امروزه لفظ «chaussure» استعمال می شود.

«hammam» حمام که امروزه لفظ bain استعمال می شود.

«charabia»العریبه که یک ش اول آن اضافه شده است. و امروزه به معنای زبان غیر قابل فهم است. در گذشته زمانیکه فرانسه در تسلط زبان عربی بود و برای یادگیری دانش باید زبان عربی فرا گرفته می شد کسانی که در مجامع علمی سخن می گفتند و برای عموم مردم قابل فهم نبود می گفتند «il parle charabia tout le temps» «او همیشه به عربی سخن می گوید»

«toubib» طیب یا همان دکتر médecin و «sarouel» سروال یا همان شلوار خانگی، «magasin» مخزن که امروزه مغازه گفته می شود و در فرانسه معادل آن لفظ commerce است.

«coton» کتان، «gilet» جلیقه، «camaïeu» کاموا و بسیاری کلمات دیگر که امروزه در زبان فرانسه استعمال می شود بدون اینکه ریشه و اصل آن دانسته شود.

1. <https://fr.babbel.com/fr/magazine/10-mots-francais-d-origine-arabe>

نتیجه گیری

زبان فرانسه نیز مانند هر زبان دیگری تحت تأثیر زبانهای بیگانه قرار گرفته است. از قرن هفدهم به این سو اکادمی زبان فرانسه به هدف پاسبانی از این زبان تأسیس شد و تا امروز وظیفه‌ی حفظ ساختار و معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه را بر عهده دارد. اما وام‌واژه‌های زیادی هم قبل از این تأسیس و هم بعد از آن از دیگر زبان‌ها مخصوصاً زبان عربی وارد زبان فرانسه شده است و امروزه به طور گسترده‌ای در حال استعمال توسط فرانسوی‌ها می‌باشند بدون اینکه به ریشه‌ی عربی آن توجه شود. این کلمات در ابتدا در دوران طلایی تمدن اسلامی از طریق فضای علمی و آکادمیک اروپا وارد زبانهای اروپایی و زبان فرانسه شد و سپس از دروازه‌ی همسایگی (اسپانیا و ایتالیا) از طریق تجارت و مبادلات فکری و ترجمه به اروپا راه یافت. این گذرگاه‌ها باعث تغییراتی در اصل واژه‌ها می‌شد به طوری که وقتی وارد زبان فرانسه شده‌اند تحت تأثیر این تغییرات ریشه‌یابی کلمات و یافتن شباهت‌های آن کلمات با کلمات عربی کمی سخت شده است. امروزه محققان تیمولوژی (فقه اللغه) در فرانسه با مطالعه روی کلمات به این نتیجه رسیده‌اند که زبان عربی بیش از دو زبان انگلیسی و حتی ایتالیایی بر زبان فرانسه تأثیر گذاشته است و بسیاری از کلمات پرکاربرد فرانسوی ریشه‌ی عربی دارند. از سوی دیگر تماس بسیار جامعه فرانسه از طریق مسلمانان عرب زبان ساکن فرانسه باعث شده است که ابتدا کلمات عربی در خیابان و کوچه و بازار در میان جامعه فرانسه رواج یابد و سپس با استعمال زیاد به سطوح بالاتر زبان هم سرایت کند. بسیاری از کلمات خاص عربی هم به واسطه‌ی مطالعات اسلامی وارد فضای زبان فرانسوی شده است به گونه‌ای که با کمی تغییر در تلفظ بدون جایگزین کردن معادل‌های فرانسوی در محاوره استعمال می‌شوند و فرانسوی‌ها به خوبی معنای آن را درک می‌کنند. امروزه زبان عربی یکی از مواد مورد تدریس در مدارس فرانسه است و سالانه تعداد زیادی فرانسوی طالب یادگیری این زبان هستند. دولت فرانسه هم برای جلوگیری از ورود این زبان آموزان به فضای مدارس دینی دیگر کشورها تصمیم گرفته است تا خود به ارائه این آموزش‌ها اقدام کند.



فهرست منابع

1. <https://www.academie-francaise.fr/linstitution/lhistoire>
2. <https://www.dicocitations.com/citations/citation-91238.php>
3. Le figaro, par Claire de Montgolfier, Publié le 30/07/2018
4. <https://www.babelio.com/livres/Pruvost-Nos-ancetres-les-Arabes/1060299>
5. <https://www.larousse.fr/dictionnaires>
6. <https://cnrtl.fr/etymologie>
7. <https://fr.babbel.com/fr/magazine/10-mots-francais-d-origine-arabe>
8. <https://www.france24.com/ar/20180911>
9. <https://www.rfi.fr/fa/%D8%A2%D9%81%D8%B1%DB%8C%D9%82%D8%A7/20180926>.

